



ابن سینا

به قول معروف: تا سه نشه، بازی نشه! امروز در صدوپنجمین شماره از ستون «شنبه‌ها باکتاب» وپس از معرفی و مرور دو رمان «عزازیل» و «حاکم و دیوانه» از نویسنده با دانش و دغدغه مند معاصر مصری، دکتر «یوسف زیدان» که البته ترجمه های دقیق، زیبا و هنرمندانه «سید حمیدرضا مهاجرانی» از آن دورمان، انصافا بر ارزش ادبی آن ها افزوده بود، به سراغ سومین رمان از این نویسنده خوش قریحه می رویم که باز هم یک رمان تاریخی است، با عنوان اصلی «فردقان، اعتقال الشیخ الرئیس» که نخستین بار، در سال ۲۰۱۸ (۹ سال پس از اعطای جایزه بوکر عربی به دکتر زیدان به خاطر رمان عزازیل) در مصر منتشر شده است.

«فردقان» نام قلعه مشهوری است در نزدیکی همدان که «ابن سینا» در سال ۴۱۲ هجری قمری، به فرمان «سماءالدوله» حاکم همدان و به اتهام ارتباط با «علاءالدوله» حاکم اصفهان، به مدت ۱۵ روز در آن زندانی بود و ظاهرا رساله عرفانی «حی بن یقظان (زنده بیدار)» را در آنجا نوشت. جالب است که این اتفاق، بلافاصله پس از مرگ «شمس الدوله» رخ داد که «ابن سینا» برای مداوی او به همدان احضار شده بود، مداوایی که مژدش رسیدن «شیخ الرئیس» به مقام وزارت بود که ای کاش این گونه نمی بود! اجازه دهید از شرح بیشتر این رخداد های جذاب و عبرت خیز بیهیزم و شما را دعوت کنم به خواندن این رمان خواندنی که در کنار تشریح دقیق آن ۱۵ روز پرمجرا، سرشار است از، به قول سینمایی ها، فلش یک و فلش فوروارد به نقاط عطف زندگی «ابن سینا» که هنگام حبس در «فردقان» چهل و دوساله بود و پس از آزادی ۱۰ سال بیشتر نژست.

خوشبختانه، این رمان نیز همانند در رمان قبلی، ادیبانه و درخشان ترجمه شده است. راستش را بخواهید، این نخستین رمانی بود که از «یوسف زیدان» می خواندم و در همان صفحه نخست، عبارتی که در ادامه نقل می کنم، آن چنان مرا به خود جذب کرد که دیگر نتوانستم کتاب را زمین بگذارم و پس از آن هم، مشتاقانه به سراغ سایر آثار این «نویسنده ـ مترجم» کاربلد و هنرمند رفتم. جمله ای که عرض کردم این است: «غروب، اندک اندک چون پیش آهنگ شب تار پیش می آمد و نور، خسته و نفس بشکسته، رفته رفته در شوای سیاه شب رخ پنهان می کرد.» (ص ۷) جمله ای سرشار از صنایع ادبی و واژه «شوله» در آن، یادآور این سطرها از اخوان «باغ بی برگ/ روز و شب تنهاست/ با سکوت پاک غمناکش/ ساز او باران، سرودش باد/ جامه اش «شوله» ی عربانی است» استفاده درست و به دور از افراط و تفریط مترجم محترم، از گنجینه ناب ادبیات کهن و معاصر فارسی، نمونه های دیگری نیز در متن دارد. مثلا در ص ۲۲۳، «ابن سینا» پس از رودرو شدن با «مهباب»، خواهر دوقلوی «مهبیار» که زاده شیراز است، ناگهان می گوید: «تو چنین خوب چرایی؟!» که وام گرفته از این بیت درخشان سعدی شیرازی است: «دوستان عیب نکنند که چرا دل به تو دادم/ باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی؟!» یا در نمونه ای دیگر، جمله ای فوق العاده حکیمانه می خوانیم با این انشای بی نظیر که آن را ماندگارتر کرده است: «سمند سعادت [دو واژه هم آغاز با سین] حقیقی به کمند کلمات [دو واژه هم آغاز با کاف] در نمی آید» (هم آهنگی میان دو واژه سمند (که در شاهنامه فراوان آمده، به معنای اسب زرد رنگ) و کمند نیز زیباست). مجموعه این ها، همگی مؤید این گزاره معروف اند که «در ادبیات، چگونه گفتن مهم تر است از چه گفتن». در پایان، اشاره ای کوتاه به ساختار رمان نیز خالی از لطف نخواهد بود. این رمان هفت فصل دارد که نام شش فصل نخست آن، نام شش شخصیت داستان است (به ترتیب منصور، کد خدا،

روان، مهبیار، مهباب و دیبا) و نام فصل هفتم «حی بن یقظان (زنده بیدار)». همچنین راوی داستان، یک راوی دانای کل همه جا حاضر و بر همه چیز ناظر است که توان ورود به ذهن شخصیت ها و خوانندن افکار آن ها را نیز دارد، کسی که به نظر می رسد، تنها اوست که صلاحیت روایت کردن چنین داستان های پرفراز و فرودی را دارد.

اثر جدید حامد هادیان منتشر شد

اردک دیوانه؛ روایت هایی از جنگ دوازده روزه اسرائیل با ایران

حامد هادیان روزنامه نگار و نویسنده ای است که در سال های اخیر با نگاهی اجتماعی و مردمی به روایت های خبری و مستندنگارانه پرداخته است. نخستین کتاب او با عنوان «خبرنگار دودلاری» در فضای رسانه ای و ادبی با استقبال روبه رو شد. او در روزهای جنگی تهران به جست و جوی سوژه هایی در گوشه و کنار شهر رفت که نشان اهمیت داشت و بیم آن بود که وقتی شعله های نبرد فروکش کردند، از یاد ها بروند. در حالی که مهم ترین مسئله بعد از آتش بس، هرچند موقت، روایت لحظه های جنگ است.

اردک دیوانه مجموعه روایت هایی ست از همین لحظات. لحظات دوازده روز نبرد اسرائیل با ایران. اثر جدید حامد هادیان به نام «اردک دیوانه» مجموعه ای از روایت های واقعی از تجربه های خبرنگاران ایرانی در مناطق جنگی و بحران زده است که با نثری روان و مستند، پشت پرده رسانه ها و رویارویی خبرنگاران با واقعیت های تلخ جنگ و سیاست را روایت می کند. این اثر مجموعه ای از روایت های مردمی و اجتماعی درباره جنگ دوازده روزه اسرائیل با ایران است که بخشی از آن در تهران و بخش هایی دیگر در چند استان

کشور روایت می شود. هادیان

در آثار خود تلاش می کند صدای مردم و کنش های روزمره آنان را در بزنگاه های تاریخی و سیاسی به تصویر بکشد، رویکردی که در کتاب جدید او «اردک دیوانه» نیز ادامه یافته است. این کتاب در ۱۸۶ صفحه و با قیمت ۲۲۰ هزار تومان، توسط انتشارات به نشر و به همت مدرسه نوشتن منتشر شده است.



کاروئو ایشی گورو (زاده ۸ نوامبر ۱۹۵۴ در ناگازاکی) نویسنده انگلیسی ژاپنی تبار است که خانواده اش وقتی پنج ساله بود، به انگلستان مهاجرت کردند. ایشی گورو مدرک کارشناسی خود را در زبان انگلیسی و فلسفه از دانشگاه کنت در سال ۱۹۷۸ و مدرک کارشناسی ارشدش را در رشته نویسندگی خلاق در سال ۱۹۸۰ از دانشگاه آنگلیای شرقی دریافت کرده است.

او یکی از شناخته شده ترین نویسندگان معاصر انگلستان است و در سال ۱۹۸۶ برای کتاب هنرمندی از جهان شناور برنده جایزه وایتبرد شد و در سال ۱۹۸۹ برای کتاب بازمانده روز برنده جایزه بوکر شده است. ایشی گورو همچنین برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۷ شده است. از بین آثار او کتاب های «وقتی یتیم بودیم» و «هرگز ترکم مکن» به فهرست نهایی جایزه بوکر راه یافتند.

به بهانه سال روز تولد این نویسنده بزرگ که در میان ایرانیان نیز بسیار پرمخاطب است، به سراغ معرفی چند کتاب مهم او رفتیم.

● بازمانده روز

شاید غریب ترین شکل تراژدی، غصه خوردن برای آن قهرمان (یا ضدقهرمان) است که خودش از درک کلیت وضع خودش عاجز است. ولی آیا واقعا عاجز است؟ یا فقط از عمیق شدن در معنای زندگی خود هراس دارد؟ آیا وضع کسی که نمی داند چه رنج های پوچی در زندگی کشیده، تراژیک تر است یا کسی که نمی تواند به این پوچی اعتراف کند؟ به راستی اگر آزادی و عواطف انسان را از او بگیریم، از او چه باقی می ماند؟ در سال ۱۹۵۶، استیونز، پیشخدمتی با سابقه در دارلینگتون هال، تصمیم می گیرد که به سوی وست کانتری برود.

اما این گردش شش روزه، تبدیل به سفری به درون گذشته استیونز و کشورش انگلستان می شود؛ گذشته ای که با فاشیسم، دو جنگ جهانی و عشقی پنهان بین یک پیشخدمت و یک خدمتکار خانه، گره خورده است. رمان خیره کننده ایشی گورو، داستان عاشقانه ای هم زمان ناراحت کننده و خنده آور، تأملی عمیق بر شرایط حاکم بر انسان مدرن و مرثیه ای برای انگلستان در زمان تغییرات سرنوشت ساز است.

● وقتی یتیم بودیم

هزارتوی خاطرات انسان، تغییر واقعیات در حافظه و خودفریبی، موضوعاتی هستند که کاروئو ایشی گورو بیش از هر نویسنده دیگری کنکاش و بررسی کرده است. ایشی گورو در رمان وقتی یتیم بودیم، مانند سایر رمان هایش، کاوشی خلاقانه، چندوجهی، طنزآمیز و خردمندانه از دنیا های درونی و تأثیرات آن ها بر زندگی شخصیت ها ارائه داده است. ایشی گورو در این رمان، به شکل درخشانی به تأثیر گذشته انسان بر وضع اکنون او می پردازد. پدر و مادر کریستوفر بنکس، پسری انگلیسی که در شانگهای در اوایل قرن بیستم به دنیا آمده، به شکلی

بسیار مشکوک ناپدید شده و او در نه سالگی یتیم می شود. این شخصیت، پس از بازگشت به انگلیس، به کار آگاه شناخته شده ای تبدیل می شود و بیش از بیست سال بعد، در حالی که جنگ بین چین و ژاپن شعله ور است، برای حل پرونده ناپدید شدن والدینش به شانگهای بازمی گردد. وقتی یتیم بودیم، ترکیبی استادانه از داستانی فوق العاده جذاب و تسلط بر روایت است که دوران اوج کاروئو ایشی گورو را به رخ همگان می کشد.

● هرگز ترکم مکن

کتنی که حالاسی ویک ساله است. کودکی خود را در مدرسه ای خصوصی به نام هیلشام گذراند، مدرسه ای در حومه خوش منظره یکی از شهرهای انگلیس و جایی که از کودکان در برابر دنیای بیرون از مدرسه محافظت می شد. کودکان هیلشام، با این فکر تربیت می شدند که آن ها خاص و استثنایی هستند و سلامت روحی و جسمی شان، نه تنها برای خودشان، بلکه برای جامعه ای که در آینده به آن وارد می شوند، بسیار مهم و حیاتی است. چون زمانی که بزرگ شوند باید اعضای بدنشان را در مراحل مختلف به عده ای پول دار اهدا کنند. سال های زیادی کتی این گذشته روایی را پشت سر گذاشته و فراموش کرده بود. اما وقتی دو نفر از دوستانش در هیلشام به زندگی او بازمی گردند، او مقاومتش در برابر این خاطرات را از دست می دهد. رمان هرگز ترکم مکن که با نام هرگز رهایم مکن نیز شناخته می شود با سادگی فریبنده داستانش، به آرامی طنین و عمق عاطفی فوق العاده خود را آشکار می کند و جای خود را در زمره بهترین آثار ایشی گورو باز می کند. هرگز ترکم مکن داستانی است بسیار غم انگیز و ناراحت کننده و از آن دسته داستان هایی است که وجدان

هر انسان آگاهی را به درد می آورد. این داستان، هم عاشقانه است و هم نیست، هم تخیلی است هم نیست. نویسنده چنان با مهارت فضای غم زده هیلشام را توصیف می کند و با چنان مهارتی کلام در دهان شخصیت های داستان می گذارد که نتیجه آن کتابی می شود سرشار از شگفتی و داستانی که خواننده را رها نمی کند.

● کلارا و خورشید

رمان «کلارا و خورشید» نخستین بار در سال ۲۰۲۱ وارد بازار نشر شد. این رمان، داستان «کلارا» را روایت می کند؛ یک دوست مصنوعی، ربانی شبه انسان با ویژگی های منحصر به فرد که از مغازه ای که در آن قرار دارد، با دقت به رفتار آدم هایی می نگرد که وارد مغازه می شوند یا از مقابل ویترین در خیابان عبور می کنند. او همچنان امیدوار است که یک مشتری خیلی زود از راه خواهد رسید و او را انتخاب خواهد کرد. کتاب «کلارا و خورشید»، اثری هیجان انگیز است که تصویری از جهان در حال تغییر انسان ها را از دریچه نگاه یک راوی فراموش نشدنی ارائه می کند؛ راوی ای که به دنبال یافتن پاسخ برای پرسشی بنیادین است: عاشق شدن به چه معناست؟ کلارا و خورشید رمان بزرگی است.

یک اثر علمی تخیلی و پادآرمان شهری که رنگ و بوی آثار ماندگار و بزرگ کلاسیک را می دهد. البته شاید بتوان این کتاب را از دسته کتاب های تخیلی خارج کرد، چرا که مخاطب را وادار می کند دید واقع رایانه تری نسبت به دنیای زمان حال یا آینده نزدیک داشته باشد. آینده ای نزدیک که ما نمی دانیم ربات ها در آن چقدر پیشرفت می کنند و جایگاهشان در زندگی ما تا چه اندازه گسترش می یابد. در مجموع چنین می توان گفت که ایشی گورو در این اثر می خواهد این مسئله را نشان بدهد که

مروری بر چند اثر از کاروئو ایشی گورو

به مناسبت سالروز تولدش

یادم تو را فراموش

هنوز هم در دنیای مدرن و تکنولوژی محور، این عواطف و احساسات و روابط بین فردی است که هرگز از بین نمی روند و قابل فراموش شدن نیستند.

● غول مدفون

غول مدفون، رمانی فانتزی است که در سال ۲۰۱۵ برای اولین بار به چاپ رسیده است. در بریتانیای پس از آنور، جنگ هایی که زمانی میان ساکسون ها و بریتانیایی ها شعله ور بود، بالاخره پایان یافته است. زوجی سال خورده با نام های آکسل و بنائتریس، پس از چندین و چند سال به ملاقات پسرشان می روند و به خاطر مه عجیبی که باعث فراموشی دسته جمعی در سراسر سرزمین شده است، چیز زیادی از او به خاطر نمی آورند.

هم زمان با پیشروی داستان و پیوستن جنگجویی از نژاد ساکسون و شوالیه ای برجسته و شناخته شده به آکسل و بنائتریس، این زوج به آرامی شروع به یادآوری گذشته تاریک و پرمشکشان می کنند. غول مدفون، تأملی درخشان است بر موضوعاتی چون فراموشی، قدرت خاطرات، عشق، انتقام و جنگ. کتاب دارای روایتی تئاتری و نمادگراست.

سرتاسر این رمان به این بحث می پردازد که آیا زنده شدن برخی خاطرات، ضرورتی دارد و مفید است یا نه؟ ایشی گورو این بحث را در دو زمینه پیش می برد. اول یادآوری حافظه گروهی و تاریخی یک جامعه و دوم یادآوری حافظه یک زوج. یادآوری خاطرات یک جامعه ممکن است منجر به ایجاد یک دوره بی پایان خونریزی بین جوامع مختلف شود و به یاد آوردن خاطرات یک زوج می تواند باعث جدایی و فروپاشی یک زندگی شود. پرسش اصلی این کتاب این است: آیا لازم است که این غول مدفون را بیدار کنیم؟



در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اتفاق افتاد

استفاده از هوش مصنوعی در تولید کتاب های گویا



عکس: فاطمه لاری، شورا

مصنوعی انجام می شود که این فرایند به شکل چشمگیری زمان آماده سازی و ارسال نسخه های گویای کتاب ها را کاهش می دهد. تاکنون با استفاده از این روش، شش عنوان کتاب گویا تولید و در سامانه جامع کتابخانه ای دانشگاه تهران (آذرسا) بارگذاری شده است. دسترسی به این منابع، با رعایت اصول و ملاحظات حقوقی، صرفا برای دانشجویان نابینا فراهم شده است. این اتفاق ویژه می تواند الگویی برای سایر کتابخانه های بزرگ کشور به ویژه کتابخانه های دانشگاه های مختلف باشد تا با استفاده از هوش مصنوعی، با سرعت بیشتری به آماده سازی منابع خود برای استفاده نابینایان اقدام کنند.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران با هدف فراهم سازی دسترسی برابر به منابع علمی و به منظور ارتقای خدمات اطلاعاتی ویژه دانشجویان نابینا، تاکنون ۱۳۶۰ عنوان کتاب را در استودیو رسانه خود گویا کرده و در اختیار کاربران این بخش قرار داده است. در گامی نوآورانه، کتابخانه مرکزی با هدف تسریع و بهینه سازی فرایند گویا سازی منابع، بهره گیری از فناوری هوش مصنوعی را در دستورکار قرار داده است. در این طرح، مراحل اسکن کتاب، تبدیل تصویر به متن و در نهایت تبدیل متن به گفتار با استفاده از ابزارهای هوش